

(وَمِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَهُ لِلخَوَارِجِ، وَقَدْ خَرَجَ إِلَى مُعَسِّكِهِمْ وَهُمْ مُقِيمُونَ عَلَى إنْكَارِ الْحُكُومَةِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَكَلْتُمْ شَهْدَ مَعْنَا صِفِّينَ؟ فَقَالُوا: مِنَّا مَنْ شَهِدَ وَمِنَّا مَنْ لَمْ يَشْهَدْ، قَالَ: فَامْتَازُوا فِرْقَتَيْنِ، فليَكُنْ مَنْ شَهِدَ صِفِّينَ فِرْقَةً، وَمَنْ لَمْ يَشْهَدْهَا فِرْقَةً، حَتَّى أَكَلَمَ كُلًّا مِنْكُمْ بِكَلَامِهِ وَنَادَى النَّاسَ فَقَالَ: أَمْسِكُوا عَنِ الْكَلَامِ وَانصَبُوا لِقَوْلِي، وَأَقْبِلُوا بِأَفْئِدَتِكُمْ إِلَيَّ، فَمَنْ نَشَدْنَاهُ شَهَادَةً فَلْيَقُلْ بِعِلْمِهِ فِيهَا، ثُمَّ كَلَّمَهُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِكَلَامٍ طَوِيلٍ مِنْ جُمْلَتِهِ أَنْ قَالَ: أَلَمْ تَقُولُوا عِنْدَ رَفْعِهِمُ الْمَصَاحِفَ - حَيْلَةً وَغِيْلَةً وَمَكْرًا وَخَدِيْعَةً - إِخْوَانَنَا وَأَهْلُ دَعْوَتِنَا: اسْتَقَالُونَا، وَاسْتَرَاخُوا إِلَى كِتَابِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، فَالرَّأْيُ الْقَبُولُ مِنْهُمْ، وَالتَّفْيِيسُ عَنْهُمْ فَقُلْتُ لَكُمْ: هَذَا أَمْرٌ ظَاهِرُهُ إِيمَانٌ، وَبَاطِنُهُ عُدْوَانٌ، وَأَوَّلُهُ رَحْمَةٌ، وَآخِرُهُ نَدَامَةٌ، فَأَقِيمُوا عَلَى شَأْنِكُمْ، وَأَلْزَمُوا طَرِيقَتِكُمْ، وَعَضُوا عَلَى الْجِهَادِ بِنَوَاجِذِكُمْ، وَلَا تَلْتَفِتُوا إِلَى نَاعِقِ نَعَقٍ. إِنْ أُجِيبَ أَضَلَّ، وَإِنْ تُرِكَ ذَلَّ وَقَدْ كَانَتْ هَذِهِ الْفَعْلَةُ، وَقَدْ رَأَيْتُمْكُمْ أَعْطِيتُمُوهَا، وَاللَّهُ لَئِنْ أَبَيْتُهَا مَا وَجِبَتْ عَلَيَّ فَرِيضَتُهَا، وَلَا حَمَلَنِي اللَّهُ ذَنْبَهَا، وَاللَّهُ إِنْ جَنَّتْهَا إِنِّي لِلْمُحَقِّ الَّذِي يُتَّبَعُ، وَإِنَّ الْكِتَابَ لَمَعَى مَا فَارَقْتُهُ مَذَّ صَحْبِيَّتِهِ، فَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِنَّ الْقَتْلَ لَيَدُورُ بَيْنَ الْأَبَاءِ وَالْأَبْنَاءِ وَالْإِخْوَانِ وَالْقَرَابَاتِ. فَمَا نَزْدَادُ عَلَى كُلِّ مُصِيبَةٍ، وَشِدَّةٍ إِلَّا إِيمَانًا، وَمُضِيًّا عَلَى الْحَقِّ، وَتَسْلِيمًا لِلْأَمْرِ، وَصَبْرًا عَلَى مَضَضِ الْجِرَاحِ، وَلكِنَّا إِنَّمَا أَصْبَحْنَا نَقَاتِلُ إِخْوَانَنَا فِي الْإِسْلَامِ عَلَى مَا دَخَلَ فِيهِ مِنَ الزَّيْغِ وَالْإِعْوَجَاجِ وَالشُّبْهَةِ وَالتَّوِيلِ. فَإِذَا طَمِعْنَا فِي خِصْلَةٍ يَلُمُّ اللَّهُ بِهَا شَعَثَنَا وَتَدَانِي بِهَا إِلَى الْبُقِيَّةِ فِيمَا بَيْنَنَا، رَغِبْنَا فِيهَا، وَآمَسَكْنَا عَمَّا سِوَاهَا.

خطاب به خوارج

پس از پافشاری خوارج در شورشگری، امام(ع) به قرارگاهشان رفت و فرمود: آیا همه شما در جنگ صفین بودید؟ گفتند: بعضی بودیم و برخی حضور نداشتیم فرمود: به دو گروه تقسیم شوید، تا متناسب با هر کدام سخن گویم. دو دسته شدند، امام ندا درداد که: ساکت باشید، به حرفهایم گوش فرا دهید و با جان و دل به سوی من توجه کنید، و هر کس را برای گواهی سوگند دادم با علم گواهی دهد آنگاه سخنان طولانی مطرح فرمود که: برخی از آن خطبه این است:

سیاست استعماری قرآن بر سر نیزه کردن

آنگاه که شامیان در گرماگرم جنگ، و در لحظه‌های پیروزی ما، با حيله و نیرنگ، و مکر و فریبکاری قرآنها را بر سر نیزه بلند کردند شماها نگفتید که: (شامیان، برادران ما و هم‌آیین ما هستند؟ از ما می‌خواهند از خطای آنان بگذاریم. و راضی به حاکمیت کتاب خدا شده‌اند، نظر ما این است که حرفشان را قبول کنیم و از آنان دست برداریم؟)، اما من به شما گفتم که: این توطئه ظاهرش ایمان و باطن آن دشمنی و کینه‌توزی است، آغاز آن رحمت و پایان آن پشیمانی است، پس در همین حال به مبارزه ادامه دهید، و از راهی که در پیش گرفته‌اید منحرف نشوید، و در جنگ دندان بر دندان فشارید، و به هیچ ندایی گوش ندهید، زیرا اگر پاسخ داده شوند گمراه‌کننده‌اند، و اگر رها گردند خوار و ذلیل شوند، که همواره چنین بود، اما دریغ! شماها را دیدم که به خواسته‌های شامیان گردن نهادید، و حکمیت

را پذیرفتید، سوگند بخدا! اگر از آن سر باز می‌زدم مسوول پیامدهای آن نبودم، و خد گناه آن را در پرونده من نمی‌افزود بخدا سوگند! اگر هم حکمیت را می‌پذیرفتم به این کار سزاوار پیروی بودم زیرا قرآن با من است، از آن هنگام که یار قرآن گشتم از آن جدا نشدم.

وصف یاران جهادگر پیامبر (ص)

ما با پیامبر (ص) بودیم، و همانا جنگ و کشتار گرداگرد پدران، فرزندان، برادران و خویشاوندان ما دور می‌زد، اما از وارد شدن هر مصیبت و شدتی جز بر ایمان خود نمی‌افزودیم، و بیشتر در پیمودن راه حق، و تسلیم بودن برابر اوامر الهی، و شکیبایی بر درد جراحتهای سوزان، مصمم می‌شدیم.

هدف مبارزه با شامیان.

اما امروز با پیدایش زنگارها در دین، کژیها و نفوذ شبهه‌ها در افکار، تفسیر و تاویل دروغین در دین، با برادران مسلمان خود به جنگ خونین کشانده شدیم، پس هرگاه احساس کنیم چیزی باعث وحدت ماست و به وسیله آن با یکدیگر نزدیک می‌شویم، و شکافها را پر و باقیمانده پیوندها را محکم می‌کنیم، به آن تمایل نشان می‌دهیم، آن را گرفته و دیگر راه را ترک می‌گوییم.